

ایران در آستانه هزاره سوم

مهدی تقوی*

هدف اصلی این مقاله بررسی اجمالی و دقیق نقاط قوت و ضعف اقتصاد ایران طی دهه گذشته می باشد. تلاش مؤلف بر این است که عواملی را که موجب آهسته تر شدن آهنگ رشد اقتصادی گردیده است، شناسایی نماید. علاوه بر آن مؤلف می کوشد برخی از سیاستهایی که بوسیله آن دولت ایران می تواند فاصله اقتصاد و فن آوری بین خود و کشورهای صنعتی پیشرفته را کم نماید مورد بحث قرار دهد. جنگ ۸ ساله ایران و عراق به صنایع گوناگون و تسهیلات زیربنایی در سرزمینهای طرفین درگیر، خسارات زیادی وارد کرد. طبق برآورد انجام شده حدود ۵۰۰ میلیارد دلار مجموع خسارت جنگ بوده است. مؤلف مدعی است که مقدار سرمایه گذاری داخلی برای اقتصاد ایران با این نرخ رشد جمعیت و بیکاری گسترده کافی نمی باشد. در سالهای ۸۹ - ۱۹۸۸ مجموع سرمایه گذاری کمتر از استهلاك ذخیره سرمایه بود. و در شروع هزاره سوم عملکرد اقتصاد ایران خیلی رضایت بخش نبوده است. مؤلف معتقد است که ایران منابع غنی چون ذخائر نفت و گاز، مس و سایر معادن، همچنین افراد جوان و تحصیل کرده در اختیار دارد. اما ایرانیان به علت نامناسب بودن برنامه ریزی و تغییرات مداوم در سیاستهای اقتصادی و فقدان همکاری بین مقامات قانونگذار و مؤسسات قضایی در کشور قادر نبوده اند که از این داراییها بطور مؤثر و بهینه استفاده نمایند.

* - دکتر مهدی تقوی؛ عضو هیئت علمی - دانشگاه علامه طباطبائی

با ارائه تصویری فشرده از اقتصاد ایران در ۷۰ سال اخیر و ارزیابی عملکرد آن و یافتن عواملی که باعث رشد پایین اقتصادی گردیده‌اند می‌توان به این پاسخ مهم رسید که چگونه با بهره‌برداری مناسب از منابع در دسترس، کشور می‌تواند شکاف اقتصادی و تکنولوژی بین خود و کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای در حال توسعه با نرخ رشد سریع را کاهش دهد.

«در آستانه هزاره دوم میلادی، ایران به‌عنوان یکی از کشورهای منطقه خاورمیانه از توسعه‌یافته‌ترین مناطق جهان بود. نفوذ فرهنگی ایران و خاورمیانه در آفریقا، آسیا و اروپا گسترش یافته بود و سهم بالایی از تجارت بین سه قاره مزبور از طریق خاورمیانه و ایران و بوسیله بازرگانان این منطقه سازمان داده می‌شد. پول کشورهای خاورمیانه منجمله ایران ابزار پرداخت و تجارت قابل اعتمادی بودند»^۱ اما برخلاف آنچه در باره گذشته کشورمان گفته می‌شود در آغاز هزاره سوم ایران و سایر کشورهای خاورمیانه با چالش کاهش شکاف درآمدی و تکنولوژیکی بین خود و کشورهای صنعتی پیشرفته روبرو می‌باشند. این چالش با توجه به رشد سریع جمعیت در آنها، بخصوص جوانان در گروه سنی ۱۵ و ۳۰ سال که انتظارات زیادی دارند، کار عظیمی می‌باشد.

اقتصاد ایران در آستانه هزاره سوم میلادی هنوز اقتصادی تک‌محصولی است. بخش اعظم ارز موردنیاز برای خرید کالا از خارج را درآمد حاصل از صدور نفت تأمین می‌کند. کسری تراز پرداختهای خارجی کشور نیز در سالهای اخیر ایران را همواره به اقتصاد جهانی بدهکار ساخته است. با وجود منابع عظیم و وسعت زیاد کشور، تنوع آب و هوا، درصد بالای نیروی کار تحصیل کرده، اقتصاد ایران پس از سالها برنامه‌ریزی صنعتی و صرف میلیاردها دلار درآمد حاصل از فروش ثروت ملی (یعنی نفت)، که در حدود ۴۰۰ - ۵۰۰ میلیارد دلار بعد از سال ۱۳۵۷ تخمین زده می‌شود در مقایسه با آغاز هزاره دوم میلادی نه تنها پیشرفتی نداشته که پس‌رفته است. رشد سریع تکنولوژیکی و اقتصادی کشورهای صنعتی غرب و کشورهای تازه صنعتی شده شرق آسیا باعث

افزایش فاصله ایران با کشورهای شده‌است که برخی از آنها ۲۵ سال پیش در مرحله‌ای مشابه ایران در صنعتی شدن و توسعه بودند. دلایل رکود و نرخ رشد پایین اقتصاد ایران را می‌توان این‌گونه برشمرد:

انقلاب و جنگ

وقوع انقلاب سال ۱۳۵۷ و ناآرامیهای قبل از آن باعث توقف بسیاری از فعالیتهای اقتصادی و رکود آنها در فاصله سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۹ گردید. علاوه بر این ۸ سال جنگ با عراق بسیاری از تسهیلات زیربنایی و صنعتی کشور را ویران نمود که هزینه این ویرانی در حدود ۵۰۰ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده شده‌است.

بسیج مردم برای جنگیدن، نیز نیروی کار را از کارخانه‌ها و مزارع به جبهه‌های جنگ روانه ساخت. صادرات نفت کاهش پیدا کرد و رکود اقتصادی بر کشور حاکم شد. بنابراین می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که انقلاب و جنگ تا حدی مسئول عملکرد نامطلوب اقتصاد ایران از سال ۱۳۵۶ تا سال ۱۳۶۷ بوده‌اند. رشد درآمد سرانه به قیمتهای سال ۱۳۶۱ در سالهای ۱۳۶۵، ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ به ترتیب ۱۷-، ۲- و ۱۱/۷- درصد بوده‌است. نرخ رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز در همین سه سال به ترتیب ۲۵-، ۱۸/۴- و ۱۹/۴- درصد بوده‌است.

بازرگانی خارجی و بدهی‌ها

اکثر متغیرهای کلان اقتصادی در ایران تحت‌تأثیر درآمد حاصل از صدور نفت و گاز قرار دارند و جدول شماره ۱ وضعیت بازرگانی خارجی ایران را نشان می‌دهد.

جدول ۱ - تراز حساب تجاری ایران - به میلیون دلار آمریکا^۱

۱۳۷۷ - ۱۳۷۰

تراز بازرگانی	واردات	صادرات کالا				سال	
		کل	درصد	غیرنفتی	درصد		
۶۵۲۹	۲۵۱۹۰	۱۸۶۶۱	۱۴/۲	۲۶۴۹	۸۵/۸	۱۶۰۱۲	۱۳۷۰
۳۴۰۶	۲۳۲۷۴	۱۹۸۶۸	۱۵	۲۹۸۸	۸۵	۱۶۸۸۰	۱۳۷۱
۱۲۰۷	۱۹۲۸۷	۱۸۰۸۰	۲۱	۳۷۴۷	۷۹	۱۴۳۳۳	۱۳۷۲
۶۸۱۱	۱۲۶۱۷	۱۹۴۲۸	۲۵	۴۸۲۵	۷۵	۱۴۶۰۳	۱۳۷۳
۵۵۸۶	۱۲۷۷۴	۱۸۳۶۰	۱۸	۳۲۵۷	۸۲	۱۵۱۰۳	۱۳۷۴
۷۴۰۲	۱۴۹۸۹	۲۲۳۹۱	۱۴	۳۱۲۰	۸۶	۱۹۲۷۱	۱۳۷۵
۴۲۵۸	۱۴۱۲۳	۱۸۳۸۱	۱۶	۲۹۱۰	۸۴	۱۵۴۷۱	۱۳۷۶
۱۱۶۸	۱۴۲۸۶	۱۳۱۱۸	۲۴	۳۱۸۵	۷۶	۹۹۳۳	۱۳۷۷
۶۲۱۵	۱۳۵۱۱	۱۹۷۲۶	۱۷/۵	۳۴۵۶	۸۲/۵	۱۶۲۷۰	۱۳۷۸
۱۷۹۶۲	۱۵۰۰۵۱	۱۶۸۰۱۳		۳۰۱۳۷		۱۳۷۸۷۶	جمع

دامنه درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز در این فاصله زمانی $۸۶ - ۷۵ = ۱۱$ درصد و دامنه درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی نیز $۱۱ = ۱۴ - ۲۵$ درصد می باشد. جمع تراز برای این دوره به میزان ۱۷۹۶۲ میلیون دلار دارای مازاد است که این ناشی از فشار برای پرداخت بخشی از بدهیهای مربوط به سیاستهای درهای باز سیاست تعدیل اقتصادی پیشنهادی بانک جهانی می باشد. از کل صادرات دوره ۹ ساله بطور متوسط $۸۱/۲$ درصد را درآمد حاصل از صدور نفت و $۱۸/۸$ درصد را درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی تشکیل می دهد. اگر نفت نبود اقتصاد ایران در مبادلات کالا و خدمات در حدود $۱۱۹/۹$ میلیارد دلار در این دوره ۹ ساله به اقتصاد بین الملل بدهکار بود. درآمد حاصل از صدور این ثروت زیرزمینی نه تنها این بدهی بلکه بخشی از بدهی

ناشی از اجرای سیاست تعدیل نیمه‌تمام را نیز تأمین مالی کرده‌است. اگر خالص خدمات و نقل و انتقالات یک جانبه را نیز در نظر بگیریم تراز مثبت تجاری اقتصاد ایران (۱۱۷۴۷ میلیون دلار) بخاطر مانده منفی نقل و انتقالات یک‌جانبه به ۵۱۹۰ میلیون دلار برای دوره ۹ ساله ۱۳۷۸-۱۳۷۰ کاهش می‌یابد.

براساس آمار منتشره بوسیله بانک مرکزی وضعیت بدهیهای ایران برای دوره ۱۳۷۸-۱۳۷۲ به شکلی است که در جدول شماره ۲ انعکاس یافته‌است. این بدهیها ناشی از سیاست درهای باز برنامه تعدیل اقتصادی می‌باشند.

جدول ۲- بدهیهای خارجی کشور (به میلیون دلار امریکا)^۳

سال	کوتاهمدت	میان و بلندمدت	کل
۱۳۷۲	۱۷۶۱۶	۵۵۴۲	۲۳۱۵۸
۱۳۷۳	۶۷۰۷	۱۶۰۳۰	۲۲۷۳۷
۱۳۷۴	۴۵۲۶	۱۷۳۹۲	۲۱۹۲۸
۱۳۷۵	۴۵۵۷	۱۲۲۷۸	۱۶۸۳۵
۱۳۷۶	۳۲۸۹	۸۸۲۸	۱۲۱۱۷
۱۳۷۷	۴۵۰۳	۹۴۹۶	۱۳۹۹۹
۱۳۷۸	۳۶۱۸	۶۷۳۹	۱۰۳۵۷

ارقام جدول ۲ دو نکته را نشان می‌دهد. در سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ حجم بدهیهای کوتاهمدت کاهش و حجم بدهیهای میان و بلندمدت افزایش یافته‌است که این ناشی از تبدیل برخی از بدهیهای کوتاهمدت به بدهیهای بلندمدت یا استمهال است. در سال ۱۳۷۷ حجم بدهیهای کوتاهمدت، بلندمدت و کل بدهی افزایش یافته‌است که این ناشی از وضعیت بد اقتصاد کشور در این سال است.

سرمایه‌گذاری

آمار مربوط به سرمایه‌گذاری در کشور که در جدول ۳ آمده به خوبی وضعیت سرمایه‌گذاری در ایران را نشان می‌دهد.

جدول ۳- وضعیت رشد سرمایه‌گذاری به قیمت ثابت در سال ۱۳۷۷ (نرخ رشد)^۴

کل	خدمات	صنایع و معادن	نفت و گاز	کشاورزی	ساختمان
-۹	۲/۳	-۴۹/۱	-۴۶/۲	-۱۷/۲	ماشین‌آلات
-۱/۶	-۱/۵	-۱/۸	-۱/۸	-۱/۳	

در سال ۱۳۷۷ نرخ رشد کل سرمایه‌گذاری ۵- درصد بوده است. وضعیت سرمایه‌گذاری در سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ به اندازه‌ای اسفناک است که سرمایه‌گذاری حتی به میزان لازم برای جایگزینی سرمایه‌های مستهلک شده نیز نمی‌باشد. یعنی سرمایه‌گذاری خالص در اقتصاد منفی است و این نشان‌دهنده کاهش در موجودی سرمایه اقتصاد می‌باشد. در این دو سال به ترتیب کل سرمایه‌گذاری به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱، ۱۱۴۳/۶ و ۱۲۱۸/۸ میلیارد ریال و استهلاک سرمایه ثابت به ترتیب ۱۲۷۳/۷ و ۱۳۰۳/۶ میلیارد ریال می‌باشد. مجموعاً در این دو سال حجم سرمایه کشور به میزان ۲۱۶/۹ میلیارد ریال کاهش یافته است.

جدول شماره ۴ نسبت کل سرمایه‌گذاری ناخالص به درآمد ملی به قیمت ثابت

سال ۱۳۶۱ را برای سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸ نشان می‌دهد.^۵

جدول ۴- نسبت سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری خالص

(میلیارد ریال و درصد) به قیمت سال ۱۳۶۱

سال	درآمد ملی به قیمت عوامل	کل سرمایه‌گذاری	استهلاک سرمایه	سرمایه‌گذاری خالص	نسبت سرمایه نسبت سرمایه	نسبت سرمایه به درآمد ملی
۱۳۷۰	۱۱۰۱۰/۱	۱۹۴۲/۹	۱۳۶۷/۸	۵۷۵/۱	۱۷/۶	۵
۱۳۷۱	۱۱۵۶۳/۱	۲۰۷۷/۳	۱۴۲۲/۵	۶۵۴/۸	۱۸	۵/۷
۱۳۷۲	۱۱۸۹۳/۵	۲۱۳۳/۴	۱۴۷۷/۳	۶۵۶/۱	۱۸	۵/۵
۱۳۷۳	۱۱۷۰۰/۷	۲۲۰۶/۳	۱۴۶۲/۸	۷۴۳/۵	۱۸/۸	۶/۳
۱۳۷۴	۱۲۱۹۹/۶	۲۲۸۸/۷	۱۵۰۸	۷۸۰/۷	۱۸/۷	۶/۴
۱۳۷۵	۱۲۹۴۸/۱	۲۴۵۸/۷	۱۵۵۰/۹	۹۰۷/۸	۱۹	۷
۱۳۷۶	۱۳۵۱۰/۱	۲۴۳۰/۳	-	-	۱۳/۵	-
۱۳۷۷	۱۳۷۳۹/۳	۲۳۰۶/۶	-	-	۱۶/۸	-
۱۳۷۸	۱۴۱۸۳/۶	۲۴۹۴/۹	-	-	۱۷/۵	-

نسبت سرمایه‌گذاری خالص به درآمد ملی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ از حداقل ۵ درصد به حداکثر ۷ درصد افزایش یافته که این نسبت در مقایسه با همین نسبت برای اقتصادهای رو به رشد سریع آسیای شرقی قابل ملاحظه نمی‌باشد. رشد اندک تولید ناخالص و درآمد ملی ایران در این دوره را سرمایه‌گذاری اندک اقتصاد توجیه می‌کند. بی‌شک یکی از دلایل عمده عملکرد نامناسب اقتصاد ما همین نرخ پایین سرمایه‌گذاری می‌باشد.

ساختار تولید، درآمد سرانه و نرخ رشد

جدول ۵ نرخ رشد اقتصادی کشور را نشان می‌دهد.

جدول ۵- درآمد سرانه و نرخ رشد اقتصادی

به قیمت ثابت ۱۳۶۱

سال	درآمد سرانه (ریال)	نرخ رشد
۱۳۷۰	۱۹۷۱۸۳	۱/۱۶
۱۳۷۱	۲۰۴۲۲۶	۰/۳
۱۳۷۲	۲۰۷۱۵۲	۱/۴۳
۱۳۷۳	۲۰۰۹۹۱	-۲/۹۷
۱۳۷۴	۲۰۶۶۶۸	۲/۸۲
۱۳۷۵	۲۱۵۶۰۴	۰/۴
۱۳۷۶	۲۲۱۸۴۱	۲/۸۹
۱۳۷۷	۲۲۱۹۵۹	-۰/۰۵
۱۳۷۸	۲۲۵۸۵۳	۱/۷۵

بطور متوسط نرخ رشد سالانه در این دوره ۹ ساله ۰/۸۷ درصد بوده است. که در مقایسه با نرخهای رشد بالای ۵ درصدی اقتصادهای پویای آسیای جنوب شرقی بسیار اندک است.

با وجود هدف کاهش وابستگی به نفت در برنامه اول و دوم توسعه اقتصادی - اجتماعی عملکرد بخش صنایع و معادن و کشاورزی چندان چشمگیر نبوده است. اگر چه سهم بخش نفت در ارزش افزوده بخشها کاهش یافته اما این کاهش کلاً بوسیله دو بخش صنعت و کشاورزی جبران نشده بلکه بخش خدمات رشد قابل توجهی داشته است. جدول ۶ سهم ارزش افزوده ۴ بخش نفت، کشاورزی، صنایع و معادن و خدمات را در تولید ناخالص ملی نشان می دهد.

جدول عمده سهم بخشها در تولید ناخالص داخلی میلیارد ریال ثابت سال ۱۳۶۱ و درصد

سال	تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل	نفت	کشاورزی	صنایع و معادن	خدمات و ساختمان
۱۳۷۰	۱۳۳۸۴/۸	۱۸/۸	۲۳/۳	۲۰/۹	۳۷
۱۳۷۱	۱۴۱۸۰/۸	۱۸	۲۳/۶	۲۰/۶	۳۷/۸
۱۳۷۲	۱۴۸۹۴/۷	۱۷/۸	۲۳/۷	۱۹/۹	۳۸/۶
۱۳۷۳	۱۵۱۰۱/۷	۱۶/۵	۲۳/۹	۲۰/۶	۳۹
۱۳۷۴	۱۵۵۱۶/۷	۱۶/۲	۲۳/۷	۲۱/۱	۳۹
۱۳۷۵	۱۶۲۶۹	۱۵/۷	۲۳/۵	۲۱/۷	۳۹/۱
۱۳۷۶	۱۶۶۹۰/۳	۱۴/۷	۲۳/۲	۲۲/۳	۳۹/۸
۱۳۷۷	۱۷۱۰۱۷/۵	۱۴/۱	۲۵/۱	۲۲/۴	۳۸/۴
۱۳۷۸	۱۷۴۵۵/۱	۱۳/۶	۲۴/۷	۲۲/۳	۳۹/۴

کاهش سهم بخش نفت در تولید ناخالص ملی در سال ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸ بیشتر به خاطر کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی و نه عملکرد مناسب بخشهای صنعت و کشاورزی در اقتصاد کشور است. سهم بخش خدمات نیز تقریباً برابر جمع سهم دو بخش کشاورزی و صنایع و معادن می باشد که برای اقتصادی چون اقتصاد ایران بسیار بالا است.

بودجه دولت

نکته اساسی دیگر که وابستگی اقتصاد ایران به درآمد نفت را نشان می دهد، وضعیت بودجه دولت است. ارقام سایر درآمدها مشخص نیست و احتمالاً فروش مقداری از ارز حاصل از صادرات نفت نیز در سایر درآمدها منظور می شود که این

سهم نفت را در تأمین هزینه‌های دولت افزایش می‌دهد. جدول ۷ وضعیت بودجه دولت را نشان می‌دهد.

جدول ۷- وضعیت بودجه دولت

(میلیارد ریال) درصد

سال	کل درآمد	سهم نفت و گاز	سهم مالیات	سهم سایر	کل هزینه	سهم جاری	سهم عمرانی	کسر بودجه
۱۳۷۰	۷۹۲۰/۷	۴۴/۸	۲۴/۹	۲۰/۳	۸۰۹۰/۹	۶۸/۸	۲۱/۲	-۱۷۰/۲
۱۳۷۱	۱۱۱۸۲/۴	۴۶	۲۳/۸	۲۰/۲	۱۰۷۵۶/۸	۷۲/۶	۲۷/۴	+۴۲۶/۲
۱۳۷۲	۲۲۱۲۳/۱	۶۶	۱۸/۳	۱۵/۷	۲۰۸۶۶/۹	۶۵/۳	۳۴/۶	+۱۲۵۷/۲
۱۳۷۳	۳۱۱۳۷/۸	۶۹	۱۷/۶	۱۳/۴	۲۹۵۹۳/۵	۶۷/۶	۳۲/۴	+۱۵۴۴/۳
۱۳۷۴	۴۵۳۳۲	۶۴/۸	۱۶	۱۹/۲	۴۱۹۶۱/۹	۶۸/۶	۳۱/۴	+۳۴۷۰/۱
۱۳۷۵	۵۷۳۲۲/۹	۶۶/۵	۲۱/۹	۱۱/۶	۵۷۸۷۷	۶۵/۳	۳۴/۷	-۵۳۴/۱
۱۳۷۶	۶۲۵۶۹/۱	۴۱/۶	۲۷/۷	۳۰/۷	۶۵۷۲۶	۶۸/۵	۳۱/۵	-۳۱۵۶/۵
۱۳۷۷	۵۳۷۶۱/۷	۲۰/۹	۳۴/۷	۲۴/۴	۷۱۳۷۳/۸	۷۵/۳	۲۴/۷	-۱۷۷۱/۱
۱۳۷۸	۹۳۴۶۹/۸	۲۸	۲۷/۹	۳۴	۹۵۲۱۰/۷	۷۱/۴	۲۸/۶	-۲۷۴۰/۹

در سال ۱۳۷۷ وضعیت اقتصادی کشور بدتر شده است. همانطور که در بالا اشاره شد در این سال نرخ رشد اقتصادی ۰/۵ درصد و نرخ رشد سرمایه‌گذاری ۵- درصد بوده و همانطور که جدول بالا نشان می‌دهد کسر بودجه دولت در حدود ۳۳ درصد کل درآمدهای دولت است. کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی اقتصاد ایران را به شدت تحت تأثیر قرار داد. نرخ رشد اقتصادی پایین، نرخ رشد منفی سرمایه‌گذاری و کسری عظیم بودجه دولت شاهدهی بر این مدعا می‌باشد. حاصل سرمایه‌گذاری اندک و سهم پایین هزینه‌های عمرانی در مقایسه با هزینه‌های جاری و کسر بودجه دولت

نرخهای تورم بالا و نرخ بیکاری بالا می‌باشد. در مطالعه انجام شده توسط گروهی از اقتصاددانان، با تخمین عرضه و تقاضای نیروی کار برای سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۸ و با فرض ادامه روند موجود، پیش‌بینی می‌شود که نرخ بیکاری در سالهای ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸، به ترتیب برابر با ۳۱/۷، ۳۲/۸، ۳۵/۸ و ۳۷/۸ درصد خواهد بود. این مطالعه نرخ بیکاری در سال ۱۳۷۹ را ۱۸/۲ درصد تخمین زده است.^۶ به عبارتی نرخهای بیکاری پیش‌بینی شده برای اقتصاد ایران در آستانه هزاره سوم میلادی فاجعه‌آمیز است.

نقدینگی و تورم

وضعیت شاخص قیمت مصرف‌کننده نیز فشار تورمی در جامعه را نشان می‌دهد. در جدول ۸ حجم نقدینگی، شاخص قیمت مصرف‌کننده، نرخ تورم و تغییرات حجم پول در جریان نشان داده می‌شود.

جدول ۸- حجم نقدینگی (به میلیارد ریال) شاخص قیمت مصرف‌کننده (۱۰۰=۱۳۶۹) نرخ تورم و نرخ رشد نقدینگی

سال	نقدینگی	نرخ رشد نقدینگی	شاخص قیمت مصرف‌کننده	نرخ تورم
۱۳۷۰	۲۸۶۲۸/۴	۲۴/۶	۱۲۰/۷	۲۰/۷
۱۳۷۱	۳۵۸۶۶	۲۵/۳	۱۵۰/۱	۲۴/۴
۱۳۷۲	۴۸۱۳۵/۱	۳۴/۲	۱۸۴/۴	۲۲/۹
۱۳۷۳	۶۱۸۴۳/۹	۲۸/۵	۲۴۹/۳	۳۵/۲
۱۳۷۴	۸۵۰۷۲/۲	۳۷/۶	۳۷۲/۴	۴۹/۴
۱۳۷۵	۱۱۶۵۵۲/۶	۳۷	۴۵۸/۸	۲۳/۲
۱۳۷۶	۱۳۴۳۱۲/۵	۱۵/۲	۵۸۳/۲	۲۷/۱
۱۳۷۷	۱۶۰۴۰۱/۵	۱۹/۴	۶۹۹/۶	۲۰
۱۳۷۸	۱۹۲۶۸۹/۲	۲۰	۸۵۱/۴	۲۱/۷

همانطور که جدول نشان می‌دهد در این دوره ۹ ساله همواره نرخ تورم بیش از ۲۰ درصد بوده است. نرخ رشد حجم پول در جریان در سال ۱۳۷۶ به شدت کاهش یافت و به مراتب (به میزان ۱۱/۹ درصد) کمتر از نرخ رشد تورم شد. کاهش نرخ رشد حجم پول در این سال بنگاه‌های اقتصادی را با پدیده خفگی مالی روبرو ساخت. بنگاه‌ها به علت کمبود نقدینه در سطح پایینی از ظرفیت عمل کرده و می‌کنند. تا حدی این مسئله می‌تواند نرخ رشد ۰/۰۵ درصد اقتصادی را توضیح دهد. قدرت خرید اکثریت مردم که درآمد ثابت دارند کاهش یافته، زیرا هیچگاه مزد و حقوق کارگران و کارمندان به میزان تورم افزایش پیدا نکرده است. افزایش شاخص قیمت مصرف‌کننده از ۱۲۰/۷ در سال ۱۳۷۰ به ۸۵۱/۴ در سال ۱۳۷۸ نشان‌دهنده کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده با فرض عدم افزایش درآمد پولی به میزان ۷/۰۹ برابر می‌باشد. هر اسکناس ۱۰۰۰ تومانی با قدرت خرید ۱۰۰۰ تومان در سال ۱۳۷۰ در سال ۱۳۷۸ تنها می‌تواند به مقدار ۱۴۱ تومان کالا خریداری کند. حاصل این نرخ تورم و افزایش مزد و حقوق به میزانی کمتر از تورم در کار تحقیقی دو محقق که در مقاله‌ای در مجله بانک و اقتصاد خلاصه شده، نشان داده شده است.^۷

براساس این مطالعه هزینه‌های خانوار شهری به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹ از ۵۳۷۵ هزار ریال در سال ۱۳۵۸ به ۲۹۶۷ هزار ریال در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است. در اقلام هزینه سهم اجزاء هزینه به قیمت ثابت سال ۱۳۶۹ تغییرات جالبی را نشان می‌دهد. هزینه مسکن از ۷۹۷۷۵۷ ریال در سال ۱۳۶۱ به ۹۸۷۲۴۷ ریال در سال ۱۳۷۵ و هزینه خوراک از ۸۲۲۲۹۰ به ۶۵۷۲۵۶ کاهش و هزینه بهداشت، تحصیل و مطالعه و سوخت افزایش یافته است. علاوه بر تورم، ایجاد مدارس و دانشگاه‌های غیرانتفاعی، دریافت وجه در مقابل خدمات بهداشتی و درمانی در بیمارستانهای دولتی و افزایش قیمت انرژی باعث شده‌اند که خانوارهای شهری خوراک کمتری مصرف کنند. کاهش هزینه خوراک افزایش سهم سایر هزینه‌ها را در بودجه خانوار تأمین کرده است. حاصل این مسئله، گرفتاری خانوارهای شهری به سوء تغذیه می‌باشد. مقایسه هزینه‌های واقعی

خانوارها با درآمد حاصل از صدور نفت در یک سال قبل همبستگی شدیدی را بین این دو نشان می‌دهد.

با وجود بدتر شدن وضع اقتصادی اکثریت مردم، آمارهای انتشار یافته بوسیله نهادهای اقتصادی دولت نشان می‌دهند که ضریب جینی که نابرابری در توزیع درآمد را اندازه‌گیری می‌کند از ۰/۵۱۱۹ در سال ۱۳۵۸ به ۰/۴۵۶ در سال ۱۳۷۰ و به ۰/۴۳ در سال ۱۳۷۶ کاهش یافته است، یعنی وضعیت توزیع درآمد در جامعه بهبود یافته است. نرخهای رشد اقتصادی اندک، نرخ بیکاری بالا، نرخ تورم بالا، کسری ترانز پرداختهای خارجی و کسر بودجه دولت باعث شده است که بسیاری از افراد به کشورهای دیگر مهاجرت کنند. جوانان ایرانی در ژاپن به کارهای پست اشتغال دارند. متخصصان ایرانی که سرمایه‌گذاری عظیمی برای تحصیل و تخصص آنان انجام گرفته راهی کشورهای غرب شده‌اند. موج مهاجرت ایرانیان به خارج از سه سال قبل دوباره شروع شده است. بجای ورود سرمایه، اقتصاد ایران سرمایه به خارج منتقل می‌کند، چون سرمایه‌گذاری در کشور مخاطره بالا و سود غیرقابل مقایسه با این مخاطره دارد. ۲۵ درصد از ایرانیان با تحصیلات عالی در کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (او.ای.سی.دی) بکار اشتغال دارند.^۸

سرمایه‌گذاری داخلی با مشکلات عدیده‌ای روبروست که بسیاری از این مشکلات در مقاله‌ای بوسیله نگارنده تشریح شده و نیاز به اشاره مجدد به آن نمی‌باشد.^۹ مسئله مهم این است که چندان به سرمایه‌گذاری داخلی نیاز نیست زیرا بسیاری از واحدهای تولیدی زیر ظرفیت کار می‌کنند. علت عمده این مسئله نیز همانطور که قبلاً اشاره شد کمبود نقدینگی است. ضعف بازار مالی اقتصاد ایران در تأمین منابع مالی موردنیاز واحدهای تولیدی باعث بروز این مشکل شده است. با توسعه و قدرت بخشیدن به بازار پول و سرمایه داخلی بسیاری از مشکلات واحدهای تولیدی از میان برداشته می‌شوند و این واحدها می‌توانند با استفاده از ظرفیتهای بلااستفاده تولید ملی اقتصاد کشور را افزایش دهند.

همه بر این نکته وقوف دارند که نرخ رشد سریع کشورهای آسیای جنوب شرقی ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی است، به همان دلیلی که سرمایه‌گذاری داخلی صورت نمی‌گیرد، اقتصاد ایران سرمایه خارجی هم جذب نمی‌کند. سهم اقتصاد ایران از مجموعه سرمایه‌گذاری خارجی اندک است.^{۱۰}

در سال ۱۹۹۶ میلادی برزیل ۱۱۲۰۰ میلیون دلار سرمایه خارجی جذب کرده‌است. در حالی که سهم ایران از سرمایه خارجی تنها ۲۶ میلیون دلار بوده و کشور ما در فهرست کشورهای در حال توسعه جذب‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی در رده‌های آخر قرار دارد.

نتیجه‌گیری

اقتصاد ایران در آستانه هزاره سوم با وجود منابع غنی، نیروی کار تحصیلکرده و جوان از کمبود مزمن تولید رنج می‌برد. برنامه‌ریزی اقتصادی نادرست، سیاستهای کجدار و مریض، قوانین دست و پاگیر و بوروکراسی مزاحم، اثر سیاستهای تعدیل اقتصادی ناتمام، دعوای سیاسی، ضعف قوه قضائیه، و هزاران طرح ناتمام عامل اصلی نرخ تورم بالا، نرخ بیکاری بالا، مشکلات اجتماعی و کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده می‌باشند. ضعف تولید باعث شده‌است که حتی با وجود تقلیل ارزش فوق‌العاده پول ملی، صادرات غیرنفتی افزایش نیابد و واردات نیز محدود نگردد. در جدول ۹، نرخ ارز بازار آزاد در دوره ۹ ساله مورد بررسی، میزان تقلیل ارزش پول ملی را نشان می‌دهد.

جدول ۹- میانگین نرخ دلار در بازار آزاد، ۱۳۷۸-۱۳۷۰

سال	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
نرخ به ریال	۱۴۱۹	۱۴۹۸	۱۸۱۰	۲۸۰۸	۴۰۶۴	۴۴۴۶	۴۷۸۲	۶۴۴۸	۸۶۵۷

عدم افزایش صادرات و کاهش واردات با وجود تقلیل ارزش فوق العاده پول ملی ناشی از کسش ناپذیری این دو نسبت به نرخ ارز و قیمت‌ها می‌باشد. در فاصله زمانی ۹ سال ارزش پول ملی ۶/۱ برابر تقلیل یافته‌است. در کشورهای صنعتی چنین تقلیل ارزش پولی صادرات را چندبرابر افزایش و واردات را چند برابر کاهش خواهد داد.

براساس گزارش آماری جدید بانک جهانی در سال ۱۳۷۸ حاصل خروج سرمایه از اقتصاد ایران در حدود ۲/۶۳۴ میلیارد دلار بوده‌است که در مقایسه با سایر کشورهای منطقه بالاترین می‌باشد. براساس آمار بانک جهانی، خالص خروج سرمایه از کشور در دوره ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۷ بطور متوسط سالیانه ۲/۲۱۶ میلیارد دلار بوده‌است. با وجود حجم اندک سرمایه‌گذاری در کشور و در حالی که کشورهای در حال توسعه با ورود سرمایه خارجی به نرخهای رشد بالا دست یافته‌اند اقتصاد ایران با مشکل فرار سرمایه روبروست.

در سال ۱۳۷۹، افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی برخی از شاخصهای اقتصادی کشور را اندکی بهبود بخشیده‌است. جدول ۱۰ دو پیش‌بینی ارائه شده توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (سازمان برنامه و بودجه) و اکونومیست از وضعیت اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۰ را ارائه می‌دهد.

جدول ۱۰- پیش‌بینی برخی از شاخصهای اقتصادی ایران

برای سال ۱۳۸۰

محمول ناخالص	تولید ناخالص	نرخ تورم	رشد اقتصادی	
داخلی سرانه	داخلی		درصد	
(دلار)	میلیارد دلار			
۱۲۱۳	۷۸/۷	۱۷	۵/۵	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی
۱۲۲۰	۸۰/۶	۲۵	۳/۵	اکونومیست

نسخه ارائه شده برای حل معضل اقتصادهایی مانند اقتصاد ایران، عبارت است از:
 ۱) توسعه نهادها و زیرساختهای مورد نیاز برای بازاری کردن بیشتر اقتصاد -
 که شامل حذف کنترل‌های تجاری و سرمایه‌گذاری، حذف چسبندگیهای بازار کار
 (تعیین حداقل مزد و غیره)، کاهش فعالیتهای اقتصادی دولت از طریق
 خصوصی‌سازی است. علاوه بر این وضعیت دولت و عدم شفافیت، اعتماد
 سرمایه‌گذاران را کاهش داده و توسعه را باز می‌دارد. دستگاه قضایی نیز به خصوص
 در رابطه با قوانین ورشکستگی و عدم پرداخت وامهای دریافتی به بانکها ضعیف عمل
 می‌کند.

۲) آزادسازی تجارت - حذف محدودیتهای تجاری و همکاریهای اقتصادی با
 سایر کشورها (که در برنامه اول ۵۰ میلیارد دلار بدهی ایجاد کرد).

۳) تقویت نظام بانکی و بازار سرمایه در حال توسعه - به منظور رساندن منابع
 مالی به واحدهای تولیدی

۴) افزایش هزینه‌های دولت - به منظور توسعه سرمایه انسانی از طریق بهبود
 بخشیدن به نظام آموزشی و بهداشت.

در مورد ایران باید به این نسخه برای درمان بیماری، به تجویزهای زیر را نیز
 اشاره کرد.

الف - حسابدهی - یعنی بررسی عملیات انجام شده بوسیله مدیران بخش
 دولتی و جریمه کردن آنان در صورت داشتن عملکرد ضعیف

ب - شایسته‌سالاری - واگذاری کار به متخصص‌ترین و شایسته‌ترین افراد و
 ارتقاء براساس ضوابط و نه روابط.

پ - کنار گذاردن ظاهرسازیها و پرداختن به اصل قضایا - اجتناب از تبلیغات
 نادرست و کارکردن بجای شعار دادن

ت - مقدم شمردن منافع ملی بر منافع شخصی

پی‌نوشتها:

- 1- Gondwe G. The World Economy, Finance and Development, IMF, December 1999, pp.6-10.
- ۲- بانک مرکزی ایران، نماگرهای اقتصادی و خلاصه تحولات اقتصادی کشور، ۱۳۷۷، صص ۴۸-۵۱.
- ۳- بانک مرکزی ایران، نماگرهای اقتصادی، شماره ۱ تا ۱۷.
- ۴- بانک مرکزی ایران، نماگر اقتصادی شماره ۱۶، سه ماهه اول ۱۳۷۸ و شماره ۱۹ سه ماهه چهارم ۱۳۷۸.
- ۵- سازمان برنامه و بودجه، مجموعه آماری، سری زمانی آمارهای اقتصادی، اجتماعی تا سال ۱۳۷۵، ص ۱۴، و نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۶- راه‌حل مشکل بیکاری، رشد اقتصادی... روزنامه خراسان، سه‌شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۷۸.
- ۷- احمد غروی نخبجوانی، بیتاشایگانی، به سر خانوارها چه خواهد آمد؟، بانک و اقتصاد، بهمن ۱۳۷۸، صص ۱۸-۲۴.
- ۸- گستردگی فراز مغزها در کشورهای در حال توسعه و ایران، ترجمه رضا اسماعیلی و بیتاگرشاسبی، عصر آزادگان، پنجشنبه ۲۵ آذر ۱۳۷۸.
- ۹- مهدی تقوی، سیاستهای اقتصادی مناسب و کاهش موانع بازدارنده، راه بهره‌برداری از سرمایه‌های داخلی، نشاط، ۱۳ شهریور ۱۳۷۸.
- ۱۰- مهدی تقوی، سهم ناچیز ایران از مجموعه سرمایه‌گذاری خارجی، اخبار اقتصاد، اول مهر ۱۳۷۸.
- ۱۱- چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال ۱۳۸۰، آفتاب یزد، ۵ فروردین ۱۳۸۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني